

Investigating the Teaching of the Sacrifice of Jesus with a Critical Approach (Based on the Holy Qur'an)

Hossein Sharifi 

Faculty Member of Political Science Department,
Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

Hossein Badri *

Ph.D. Candidate in Quran and Hadith Sciences,
Central Tehran Branch, Islamic Azad University,
Tehran, Iran

**Elaheh Bashtani
Ranjour** 

Graduated from the Third Level of Qur'anic
Interpretation and Sciences, Jami'at Al-Zahra
University, Qom, Iran

Abstract

Criticism and rationalization in the teachings of religions are the questions affecting mankind, and among them, the doctrine of sacrifice, according to which human beings must pay a ransom and damages for the sin of Abu al-Bashar Adam, and this damage was paid with the suffering and death of Christ (PBUH), is one of the issues that have been faced with challenges in the understanding and rationality of modern man, and it is challenging in contemporary Christianity. Since the Qur'an, as an eternal miracle in the universe, is a unique standard and yardstick for the degree of justifiability and correctness of the teachings of religions, especially those religions that were not spared from the hands of the distorters, the present article aims to examine and measure the doctrine from the perspective of the Holy Quran and use the related verses for deliberation and reflection in a descriptive-analytical way. The result of the research shows that the Holy Qur'an together with the Islamic traditions never confirms this belief, and invalidates the issue of redemption by emphasizing the

* Corresponding Author: nnbadri7@yahoo.com


How to Cite: Sharifi, H., Badri, H., Bashtani Ranjour, E. (2023). Investigating the Teaching of the Sacrifice of Jesus with a Critical Approach, *A Research Journal on Qur'anic Knowledge*, 13(51), 113-140.

infallibility of Adam (PBUH) and other prophets, specifying the ascension of Jesus (PBUH) before the cross, considering everyone responsible for his own fate, and also introducing the actions of a person as the criterion for his salvation.


Keywords: Holy Quran, Christianity, Trinity, Redemption, Jesus (PBUH).

بررسی آموزه فدا شدن حضرت مسیح با رویکرد انتقادی بر اساس قرآن کریم


عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

حسین شریفی 

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد تهران مرکز تهران، قم، ایران

حسین بدری *

دانش آموخته سطح سه رشته تفسیر و علوم قرآن جامعه الزهرا قم، ایران

الهه باشتنی رنجور 

چکیده

نقد و بررسی و معقولیت‌سنجی آموزه‌های ادیان یکی از پرسش‌های مبتلابه بشر است و در این میان، آموزه فدا که به موجب آن بشریت به خاطر گناه ابوالبشر حضرت آدم باید تاوان و خسارتی بپردازد و این خسارت با رنج و مرگ مسیح پرداخته شده است، از جمله مسائلی است که در هاضمه ادراکی و عقلانیت انسان مدرن با چالش‌هایی مقرون شده است چالش برانگیز در مسیحیت معاصر است. از آنجا که قرآن به عنوان معجزه جاوید در عالم هستی، معیار و محک بی‌نظیری است برای میزان توجه‌پذیری و صحت آموزه‌های ادیان به‌ویژه ادیانی که از دستبرد تحریف‌کنندگان در امان نماندند، مقاله حاضر با هدف بررسی و سنجش این آموزه از نگاه قرآن کریم به روش توصیفی-تحلیلی آیات مرتبط را در معرض تدبر و تأمل قرار داده است. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که قرآن کریم هم‌دوش با روایات اسلامی، هیچ‌گاه این باور را تأیید نمی‌کند و با تأکید بر عصمت حضرت آدم(ع) و سایر پیامبران، با تصریح به عروج حضرت عیسی(ع) قبل از به صلیب کشیده شدن و هرکسی را مسئول سرنوشت خود دانستن و همچنین معرفی اعمال آدمی به عنوان معیار نجات وی، مسأله فدیة را باطل می‌شمارد.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، مسیحیت، تثلیث، فدیة، حضرت عیسی(ع).

۱. مقدمه

یکی از آموزه‌های مسیحیت، آموزه گناه اولیه است که بر اساس آن تمام انسان‌ها به خاطر سرپیچی حضرت آدم از خداوند متعال و آلوده شدن به گناه او، با ماهیتی آلوده به گناه به دنیا می‌آیند. ماهیت گناه‌آلود سبب همه گناهان بشر در مسیر زندگی است؛ از همین رو، عذابی که انسان‌ها به آن گرفتاراند، علت و معلول گناه اول حضرت آدم است. اما خداوند متعال از طریق حضرت عیسی (ع) خدای پسر، مقرر کرد بشر را از این حالت آلوده به گناه رهایی بخشد. پس حضرت مسیح بر دار شد تا کفاره عذاب و گناه باشد (ر.ک؛ توکلی، ۱۳۸۴: ۱۳۶) مسیحیت مبتنی بر اندیشه گناه است و به موجب این عقیده، انسان مخلوقی است که ذاتاً گناهکار است و آثار گناهی که آدم مرتکب شده، به تمام فرزندان آدم سرایت کرده است و از آنجایی که به اقتضای عدالت خدا، بایستی غرامت و فدی‌ای برای گناهان موروثی و غیر موروثی پرداخته شود، فرزند خدا به صورت بشر در آمد و روی صلیب جان داد و برای گناهان مردم فدا شد! به موجب این اندیشه، هیچ فردی نمی‌تواند نجات یابد؛ مگر اینکه به خون مسیح معتقد باشد (ر.ک؛ کاشف‌الغطاء، بی‌تا: ۱۰۲).

عقیده فوق در حالی در آیین مسیحیت مطرح می‌گردد که بر مبنای تعالیم قرآن کریم، چنین دیدگاهی درباره حضرت عیسی (ع) و مسئله فداء مردود است و همچنین این نظریه همواره با نقدهای مفسرین و اندیشمندان مسلمان همراه بوده است. با توجه به اختلاف موجود نیز در پژوهش حاضر کوشیده‌ایم که آموزه فداء که در آیین مسیحیت مطرح گردیده است را بر مبنای تعالیم قرآنی مورد نقد و بررسی قرار دهیم و برای پرسش‌های زیر پاسخی منطقی بیابیم.

الف) آیین مسیحیت، سرگذشت حضرت عیسی (ع) را به چه نحو تشریح می‌کند؟

ب) دیدگاه مسیحیت در مورد آموزه فداء چیست؟

ج) بر مبنای تعالیم قرآنی، چه نقدهایی بر آموزه فداء وارد است؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

بررسی و تحلیل انتقادی مسئله فدا شدن حضرت مسیح در نگاه قرآن کریم با وجود اهمیت فراوان در قالب هیچ نوشتاری به صورت مستقل، مورد توجه قرار نگرفته است؛ هرچند، با جستجو در آثار اندیشمندان به مطالبی در این باره برمی‌خوریم؛ از جمله محمد بیابانی اسکویی در کتابی با عنوان «تولد حضرت مسیح در قرآن و عهد جدید» در اثری تطبیقی بر شیوه گزارش تولد حضرت مسیح در آیین مسیحیت و اسلام پرداخته‌است؛ همچنین کارل کائوتسکی در کتابی با عنوان «بنیادهای مسیحیت»، ترجمه عباس میلانی مبنای دین مسیحیت را تشریح می‌کند؛ یا مقاله‌ای تحت عنوان «نجات‌شناسی» از دیدگاه مسیحیت و اسلام» در نشریه پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی از حسن طالب (۱۳۸۳) به بررسی گناه اولیه ابوالبشر حضرت آدم در آیین مسیحیت می‌پردازد و مسأله فلاح و رستگاری و نائل شدن به حیاتی طیبه و نیز نجات از هر گونه درد و رنج و فنا و نابودی در نظر اسلام یکی از دغدغه‌های مهم این نویسنده است. اغلب این نوشته‌ها به بررسی موردی و گذرا از مسأله فدیة پرداخته‌اند به طوری که در جدیدترین اثر عبدالرسول کشفی و سیاوش اسدی در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی برخی دیدگاه‌ها در باب آموزه فدیة» تنها به بررسی نظریات و تاریخچه پیدایش فدیة می‌پردازند ناگفته پیداست که این آثار، مسأله فدا شدن حضرت مسیح در نگاه قرآن کریم را به طور ویژه در دستور کار قرار نداده‌اند؛ از همین رو، نوشتار حاضر از این حیث بدیع و اثری نو به‌شمار می‌رود.

۲. مفهوم‌شناسی

برخی از لغویون فداء را مصدر مجرد دانسته (ر.ک؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۳: ۴۲۱) و برخی دیگر آن را از باب مفاعله و مشتق (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۴۰/۹). در تعریف آن نیز آورده شده‌است: فدیة و فداء چیزی است که به جای چیز دیگر قرار داده شود (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸: ۸۲) ابن فارس نیز یکی از معانی اصلی فداء را قرار دادن چیزی به جای چیز دیگر دانسته است (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۴۸۳/۴) که این شیء می‌تواند مال یا موضوع خارجی باشد همانند مالی یا شخصی که به منظور آزادی اسیر داده می‌شود

(ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۴۰/۹). در زبان عهد جدید نیز برای توصیف آموزه فداء از لغات «Hilasterion» به معنای بخشش گناه، «Lytrosis» به معنای خلاص، «Thysia» به معنای قربانی و «Prospora» به معنای فدیة استفاده شده است. در زبان عهد قدیم نیز ریشه فداء از واژه «Kipper» گرفته است که در کتاب مقدس بارهایی معنایی متفاوتی داشته است که معنای غالب برای این مفهوم در زبان عبری به معنای پوشاندن و پاک کردن است (ر.ک؛ برنتل، ۱۳۸۱، ۱۰۸-۱۰۷). و در اصطلاح بدین معنا است که مسیح با تحمل رنج‌های فراوان و مرگی سخت، تاوان گناهان بشر را به خداوند پرداخت می‌کند و انسان را از عذاب ابدی که به دلیل گناه اولیه مستحق آن است، رهایی می‌بخشد (ر.ک؛ توفیقی، ۱۳۸۱: ۱۹۲).

۳. آموزه فداء پیش از مسیحیت

پژوهش‌گران دینی اظهار می‌کنند که عقیده مسیحیت به قربانی شدن و مصلوب شدن عیسی (ع) ریشه در عقیده بت‌پرستی در آیین برهمنی دارد که چندین نسل پیش از مسیحیت بوده است (ر.ک؛ انور، ۱۳۷۱: ۱۶۸) این موضوع خرافاتی از هر جهت با موضوع «کریشنا» شباهت کامل دارد که بت‌پرستان قدیم هند او را پسر خدا می‌دانسته‌اند و می‌گفتند که او از عالم لاهوت تنزل کرده است تا در این جهان به دار آویخته شود و بدین وسیله جان خود را فدای مردم سازد و ایشان را از گناه نجات بخشد. در کتب تاریخ ادیان از زبان بودا نقل شده است که: «همه گناهانی را که در دنیا رخ می‌دهد به گردن من گذارید تا جهان رستگار گردد» (حسینی طباطبایی، ۱۳۷۰: ۹۱).

گزارش‌های متعدد تاریخی نیز مؤید این حقیقت است که اعتقاد به تثلیث، فداء، صلیب، تاریکی جهان و ... در آیین بت‌پرستان سابق به‌ویژه در آیین هندوها و بوداییان موجود بوده و از طریق آنان به کلیسا راه یافته است (ر.ک؛ مسجد جامعی، ۱۳۸۶: ۱۸۴) ویل دورانت می‌نویسد: «مردم مصر، آسیای صغیر و یونان از دیر زمان به خدایانی مانند اوزیریس، آتیس و دیونوسوس که به خاطر نجات بشر مرده بودند و قربانی شده بودند، اعتقاد داشتند. عنوان‌هایی از قبیل سوتر (منجی) و الثوتریوس (رهاننده) به این خدایان اطلاق شده بود. واژه‌هایی که پولس به مسیح اطلاق می‌کرد، همان واژه‌ای بود که

بررسی آموزه فدا شدن حضرت مسیح با رویکرد انتقادی بر اساس...؛ شریفی و همکاران | ۱۱۹

کیش‌های سوریه و یونان به دیونوسوس که می‌مرد و رستگاری را عملی می‌ساخت، داده بودند» (دورانت، ۱۳۷۲: ۶۸۹) رادا کریشنان، فیلسوف هندی که هم از کتب هندوها اطلاعات کافی دارد و هم با عقاید مسیحیت آشنا است، می‌نویسد: «همانندی داستان‌های تولد بودا و کریشنا و مسیح، مبین عاریت گرفتن از یکدیگر است. همانندی این دو شخصیت گروهی را به فکر انداخت که کریشنا و عیسی یکی هستند» (کریشنان، ۱۹۶۳م: ۳۴) البته بنابر نظر عده‌ای، ریشه تاریخی آموزه فدی به اعتقادی که یهودیان به اعطای قربانی خداوند دارند، باز می‌گردد. عمل قربانی برای یهود به منزله آن بود که قربانی میان قوم بنی اسرائیل و خداوند متعال به نوعی همبستگی به وجود می‌آورد. مسیحیت نیز با الهام پذیری از چنین آموزه‌ای، حضرت مسیح (ع) را قربانی بزرگ و دایمی بر می‌شمارد که برای صلح دادن امت مسیح (ع) با خداوند به او ارزانی شد (ر.ک؛ توقیفی، ۱۳۸۱: ۱۸۱).

۴. آموزه فداء در مسیحیت

بر طبق دیدگاه‌های ارائه شده در آیین مسیحیت؛ عیسی (ع) به دست یهودیان به دار کشیده شده است. در حقیقت در کتب مسیحیت آمده است که احبار یهود وقتی دریافتند که عیسی موقعیت آنان را به خطر انداخته و آئین جدیدی را تبلیغ می‌کند و عملاً مراسم و شعائر رسمی یهود را زیر پا می‌گذارد، کمر به قتل او بستند. ابتدا تبلیغات بسیار تندی علیه او راه انداختند و او را به انواع اتهامات متهم کردند. عیسی (ع) در حلقه توطئه و محاصره و تعقیب قرار گرفت و مدت‌ها متواری بود. احبار یهود و کارگزاران امپراطور با یکدیگر علیه عیسی (ع) و یاران او همدست شده بودند (ر.ک؛ اردستانی، ۱۳۸۱: صص ۳۳-۳۴) اناجیل از برخورد حضرت عیسی (ع) با شعائر و مراسم یهود سخن می‌گویند و تأکید دارند که همین امر باعث به دار کشیدن عیسی شد؛ عیسی و یارانش چون وارد معبد شدند، تخت‌های صرافان و کاسبکاران را واژگون کردند و کبوتر فروشان و سوداگران را از صحن بیت المقدس بیرون راندند (مرقس ۱۸: ۱۱).

باور فوق درباره به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی (ع) و مرگ وی منجر به بروز آموزه فداء در آیین مسیحیت گردید که بر طبق آن مسیحیان عقیده دارند عیسی (ع) در آن

روز اعدام شد تا گناهان بشر که از پدرشان آدم به ارث برده بودند، پاک شوند. این باور که یکی از اصول مسیحیت است، باعث شد که گفتمانی به نام فدیة در مسیحیت ظهور و بروز یابد (ر.ک؛ فیلسین، ۱۳۵۵: ۱۵۶).

۴-۱. بستر تاریخی آموزه فداء در مسیحیت

چنانکه اشاره شد، آموزه گناه اولیه از اساسی‌ترین آموزه‌های کلام مسیحی است که مهم‌ترین مستندات آن در سفر آفرینش و نامه پولس به رومیان قابل مشاهده و پی‌گیری است. در باب سوم از سفر آفرینش، به نافرمانی آدم (ع) از خداوند و مجازات این نافرمانی اشاره شده و در نامه پولس به رومیان، از تبعات این گناه برای نوع بشر و عذاب و محنتی که به واسطه این گناه گریبان‌گیر همه نسل‌های بشر می‌شود، سخن گفته شده است. در این نامه، پولس با تقابلی که میان آدم (ع) و مسیح (ع) برقرار می‌کند، مسیح (ع) را به عنوان تنها ناجی نوع بشر معرفی می‌کند که قدرت آن را داشته که با تحمل سختی‌های زیاد و با مرگی بسیار وحشتناک، بشر را از پیامدهای گناه اولیه حضرت آدم نجات دهد. «هنگامی که حضرت آدم مرتکب گناه شد. گناه او تمام نسل انسان را پلید ساخت. یک گناه سبب شد که مردم زیادی محکوم به مرگ شوند، در صورتی که حضرت مسیح گناهان زیادی را پاک و طاهر می‌کند. حضرت آدم سبب شد عده زیادی گناهکار شوند. اما حضرت مسیح مسبب شد، خداوند متعال عده بسیاری را بی‌گناه بداند، چرا که از خداوند متعال پیروی کرد و روی صلیب کشته شد» (رومیان ۵: ۲۰-۱۲).

با این نظریه، که نخستین بار ظاهراً توسط آگوستین به صورتی مبهم ارائه شده، نظریات دیگری گسترش و رشد پیدا نمود که به طوری نجات بشر را از این حالت اسف‌بار و زشت را مورد توجه قرار می‌دهد. این نظریه که تحت عنوان «فدیة» مشهور شده است، با پشتیبانی و تکیه بر آیات کتاب مقدس تنها راه نجات از عذاب و رنج ناشی از گناه بشر که خود علت و معلول گناه اولیه است، را بهره‌مند شدن از سختی‌ها و فداکاری‌هایی می‌داند که حضرت مسیح (ع) در طول نجات انسان متحمل شد. به عبارت دیگر، بر طبق این نظریه خون حضرت مسیح (ع) فدیة‌ای شد که خداوند متعال آن را پذیرفت تا بشر را از عذاب و

بررسی آموزه فدا شدن حضرت مسیح با رویکرد انتقادی بر اساس...؛ شریفی و همکاران | ۱۲۱

سختی گناهانی که دامن او را آلوده نموده رهایی بخشید. حتی بر طبق آموزه گناه اولیه، بچه و نوزادانی که متولد می‌شوند نیز این بار گناه زشت را در وجود و ماهیت خود دارند. پس مرگ و رنج حضرت مسیح (ع) به عنوان فدیهای به خداوند متعال برای نجات ضروری و لازم است (ر.ک؛ کشفی، ۱۳۹۰: ۱۹) ریشه اعتقاد به فدا شدن عیسی (ع) در کتب مقدس آن‌ها را می‌توان با توجه به آیات زیر که از کتب عهد عتیق و جدید انتخاب شده، را می‌توان یافت. «آدم و حوا به وسوسه شیطان دچار گشته، مرتکب گناه شدند، آثار چندی از گناه به جای ماند. یکی از نتایج آن است که با وارد شدن گناه به جهان توسط آدم، گناه در نسل بشر شروع شد و مردم به گناه کردن مبادرت کردند. ذات انسان، فاسد گردید و انسان مقصر شد و گناه آدم به منزله گناه تمام نسل‌های بعد محسوب شد» (رومیان ۵: ۱۹).

۴-۲. قرائت‌های گوناگون از آموزه فداء در آیین مسیحیت

متکلمان مسیحی با اینکه در پذیرش آموزه فدییه متفق القول می‌باشند، اما در ساختار و چگونگی آن اختلافاتی با یکدیگر دارند و از آن قرائت‌های مختلفی دارند که برخی از این نظریه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۲-۱. نظریه تاوان یا غرامت

از قدیمی‌ترین نظریات در مورد آموزه فدییه نظریه تاوان است که توسط نخستین آبا کلیسا همانند اوریگن، مطرح شده و بیان می‌کند که گناه بشر، بالقوه سبب تصرف روح انسان به شیطان می‌شود. از همین رو، بر طبق یک دیدگاه اسطوره‌ای، شیطان و خدا برای تصرف روح انسان در تلاش‌اند و بر طبق قانون این رقابت، هر بشری که قبح گناه را برای خود میسر نماید، باید به طور دائمی در زندان دوزخ، که شیطان هم از زندانیان اوست محبوس شود. بنابراین با وجود آن که خداوند متعال به ما عشق می‌ورزد و تمایل دارد که ما در آسمان‌ها با باری تعالی زندگی عاشقانه و لذت‌بخشی داشته باشیم، این واقعیت تلخ وجود دارد که انسان به دلیل آلوده شدن به گناهان به عاقبتی متفاوت از این زندگانی آسمانی دچار خواهد شد. همچنین از مقام و مرتبه خداوند متعال به دور است که با مکر و حيله، قوانین و قاعده

رقابت با شیطان را نقض نماید و ما را از گرفتار شدن او رهایی بخشد، اما به هیچ دلیل و عنوانی نامناسب نیست که خداوند متعال غرامت و تاوان آزادی و رهایی بخشی ما را به شیطان پردازد و آن تاوان، همان مرگ حضرت مسیح (ع) است (ر.ک؛ کشفی، ۲۱: ۱۳۹۰).

۴-۲-۲. نظریه نمونه اخلاقی

پیتر آبلارد این نظریه را ابتدا مطرح و مبنای آن بر اصلاح و تربیت اخلاقی شخص گنهگار و مجرم گذاشته شد بدین صورت که تکامل اخلاقی و اصلاح برای مخلوقات به صورت کامل امکان ندارد، مگر به وسیله الگویی کامل اخلاقی که همان حضرت مسیح علیه السلام است. حضرت به تجسم یک انسان حلول کرده تا الگویی اخلاقی باشد و به دنبال آن، شرایط و مقدمات لازم برای تربیت اخلاقی را رقم بزند، اصلاحی که برای ارتباطی دوستانه بین خالق و مخلوق واجب است. از همین رو، نوع انسان می تواند با مشاهده و تجسم تحمل مصائب به وسیله حضرت مسیح علیه السلام و فداکاری های آن حضرت، به این الگو و قاعده اقتدا کند و با مدد از او توانایی و استعداد طی مسیر کمال و سعادت را به دست آورد. از همین رو، در این نظریه، آموزه فدیة جبران گناه بشر توسط حضرت مسیح علیه السلام شناخته نمی شود، بلکه به عنوان دلیل و راه کاری دیده می شود که توسط آن انسان می تواند خود را از بدبختی و شقاوت به کمال و سعادت برساند و اخلاق خود را به کمال رساند. این نظریه مصائب مسیح را به صورتی غیر مستقیم موجب دوری از گناه یا فائق آمدن بر خدعه های شیطان معرفی می نماید، اما اینکه انسان فرصتی را که حضرت مسیح در اختیارش قرار داده اغتمام شمرده یا از دست بدهد به تلاش و همت انسان و عزم او بر می گردد (ر.ک؛ شاکر، ۱۳۸۱: ص ۸۶-۸۷؛ تیسین، بی تا: ۷۴).

۴-۲-۳. نظریه جبران

این نظریه به آنسلم منسوب است و بر طبق آن گناه و خطای انسان، دهن کجی و اهانتی بزرگ به ساحت مقدس پروردگار است که تمام ابعاد محبت و الفت را میان خالق و بنده اش را در بر گرفته و از بین می برد و تقریباً بخشایش انسان ناممکن می شود، مگر آنکه

بررسی آموزه فدا شدن حضرت مسیح با رویکرد انتقادی بر اساس...؛ شریفی و همکاران | ۱۲۳

این اشتباه و خطا جبران شود. این نظریه که آن را زدودن بدهی گفته‌اند، بیان می‌کند که هر خطایی که از انسان سر بزند انسان را وامدار خداوند متعال می‌نماید و پروردگار حق دارد که از بشر فرمانبرداری و اطاعت بخواهد؛ بنابراین انسان با ارتکاب گناه آنچه را که حق باری تعالی است (اطاعت- فرمانبرداری) از او دریغ کرده و تا زمانی که آنچه از آن اوست، به خالق بازنگردانیم، باید مجازات و عذاب شویم. در حقیقت در نظریه آنسلم نه تنها خداوند متعال حق دارد انسان را مجازات کند، بلکه مجازات بشر بر او لازم است. بر طبق این دیدگاه؛ خطا و بدهی انسان به خداوند متعال توسط حضرت مسیح(ع) جبران شد و مجازات و عذاب منتفی گردید. به بیان دیگر حضرت حق از عرش در هیأت حضرت مسیح(ع) بر روی زمین نزول کرد و در این شاکله بشری رنج‌ها و مشقت‌ها را تحمل نمود تا فدیة گناهان انسان شود(ر.ک؛ کشفی، ۱۳۹۰: ۲۱-۲۴).

۴-۳. نظریات برجسته متکلمان مسیحی درباره آموزه فدیة

۴-۳-۱. نظریه آکویناس

در این نظریه یکی از آثار گناه نخستین، که انسان با آن زاده شده، آن است که او برده شیطان است و علاوه بر آن که تمایل فطری به رفتار نادرست دارد، تحت القابات شیطان است و خداوند به شیطان (به عنوان یک کارگزار) اجازه داده که او را به خاطر گناهانش تنبیه کند. لذا فدیة به معنای «راهی برای خلاصی از شر شیطان» است. یعنی با فدیة مسیح، دیگر نفوذ شیطان بی‌اثر یا حداقل خواهد شد و انسان به رستگاری نزدیک‌تر می‌شود. نکته حائز اهمیت در نظریه آکویناس این مسأله است که تا انسان نخواهد و انتخاب ننماید از این فرصت استفاده کند و خود را در مسیر رستگاری قرار ندهد، گناهان او زدوده نخواهد شد. از جمله شعائری که آکویناس مطرح می‌کند آن است که تنها کسانی که غسل تعمید نمایند، می‌توانند کفاره گناه جبلی را بپردازند و آلا از درک محضر خداوند متعال محروم‌اند(ر.ک؛ پترسون و دیگران، ۱۳۷۶: صص ۴۷۱-۴۸۰).

۴-۳-۲. نظریه کویین

فیلیپ کویین از متکلمان مسیحی در عصر حاضر است در این زمینه معتقد است به جای آنکه فدیة مسیح را جبران یا تاوان گناهان بدانیم، آن را عاملی برای برانگیخته شدن شفقت و رحم خداوند بدانیم؛ به این معنا که وقتی خداوند آلام و رنج حضرت مسیح را، که از روی عشق به خداوند و داوطلبانه انسان‌ها متحمل شد و در این راه جان باخت، دید، تصمیم گرفت نسبت به آدمیان سخت‌گیری زیادی نکند و آن قسمت از دین بشر را که به واسطه گناهان بر ذمه اوست، بر او ببخشد؛ یعنی کویین شفقت و بخشایش خداوند را جایگزین ادای دین به او کرده است. لذا او با دخالت دادن بیشتر عقل در این زمینه و کاهش نقش و اثر کتاب مقدس، هرچند با مخالفت‌هایی در جهان مسیحیت روبرو شد، گره‌هایی را از آموزه فدیة باز کرد (Quinn, 1990, 174).

۴-۳-۳. نظریه سویین برن

نظریه سویین برن بر ایده جانشینی و جبران‌سازی مجازات استوار است. به نظر او بهره‌مندی از فدیة و زدوده شدن گناهان انسان دارای چهار مرحله است: عذرخواهی، ندامت، جبران (در حد امکان) و درباره گناهان بزرگ و مهم، جزا. سویین برن با ذکر مثالی نظریه خود را روشن می‌سازد و بیان می‌کند فرض کنیم که ما از روی عصبانیت بیهوده شیشه پنجره خانه یکی را با پرتاب تکه سنگی بشکنیم و پس از آرامش در طلب بخشایش برآیم. برای دست‌یابی به این بخشایش، قدم اول ابراز ندامت و عذرخواهی از این عمل است. همچنین، پس از این عذرخواهی و نشان دادن پشیمانی خود، باید سعی در تعمیر و مرمت آن پنجره کنیم و شیشه نوی را به جای شیشه شکسته شده قرار دهیم یا هزینه آن را پرداخت کنیم، اما انجام این سه مرحله اول از کارها هنوز ممکن است برای بخشایش ما کافی نباشد؛ یعنی باید علاوه بر عذرخواهی، ابراز پشیمانی و جبران خسارت، کاری کنیم که نشان دهد ما حقیقتاً و به‌طور جدی از کرده خود نادمیم؛ مثلاً ممکن است طی یک دوره هر روز برای آن شخص گل بفرستیم و از این قبیل کارها که علاوه بر سه مرحله قبل برای کامل شدن و اطمینان از بخشایش انجام دهیم، جزا نام دارد. در این نظریه آنچه اهمیت دارد، این است

بررسی آموزه فدا شدن حضرت مسیح با رویکرد انتقادی بر اساس...؛ شریفی و همکاران | ۱۲۵

که در نظر سویین برن جزا با مجازات فرق دارد. جزا چیز مشقت‌باری که از جانب کسی به منظور تلافی، تاوان یا تهدید بر ما تحمیل می‌شود نیست. جزا، هرچند مشقت‌بار و سخت است، چیزی است که ما داوطلبانه و از روی اختیار برای ترمیم روابط خود با دیگران انتخاب می‌کنیم (ر.ک؛ (Swinburne, 1989, 49-52)

۵. تحلیل و نقد قرآنی آموزه فداء

بررسی قرآن کریم پیرامون آموزه فداء، از دو زاویه قابل توجه است؛ یکی از زاویه محتوا و بطن موارد نقل شده؛ و دیگری از حیث چگونگی طرح این رویداد تاریخی که تحلیل آن مورد توجه قرار می‌گیرد.

۵-۱. عصمت حضرت آدم (ع)

یکی از مهم‌ترین نقدهای وارد شده بر آموزه فداء؛ متناظر بر بحث‌های مطرح شده در ارتباط با عصمت حضرت آدم (ع) است که بر مبنای آنچه از تعالیم قرآن کریم و تفاسیر ارائه شده می‌توان دریافت این است که حضرت آدم نیز مانند سایر پیامبران معصوم بوده است و هیچ گناه گناهی از او سر نزده است.

در قرآن کریم در ارتباط با سکونت و سپس رانده شدن آدم از بهشت چنین آمده است:

﴿وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ * فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ﴾ (بقره/۳۵-۳۶)؛ «و گفتیم: ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن و از (نعمت‌های) آن، از هر جا می‌خواهید، گوارا بخورید (اما) نزدیک این درخت نشوید که از ستمگران خواهید شد * پس شیطان موجب لغزش آنها از بهشت شد و آنان را از آنچه در آن بودند، بیرون کرد. و (در این هنگام) به آنها گفتیم: «همگی (به زمین) فرود آید! در حالی که بعضی دشمن دیگری خواهید بود. و برای شما در زمین، تا مدت معینی قرارگاه و وسیله بهره‌برداری خواهد بود».

روشن است آدم با آن مقامی که خدا در آیات گذشته برای او بیان کرد مقام والایی از نظر معرفت و تقوا داشت، او نماینده خدا در زمین بود او معلم فرشتگان بود، او مسجود ملائکه بزرگ خدا گردید، این آدم با این امتیازات مسلماً گناه نمی‌کند، به‌علاوه می‌دانیم او پیامبر بود و هر پیامبری معصوم است. در ارتباط با آیه فوق و اغفال آدم (ع) به وسیله شیطان و رانده شدن از بهشت سه دیدگاه عمده وجود دارد:

الف) آنچه آدم مرتکب شد «ترک اولی» و یا به عبارت دیگر «گناه نسبی» بود نه «گناه مطلق».

گناه مطلق گناهایی است که از هر کس سرزند گناه است و درخور مجازات (مانند شرک و کفر و ظلم و تجاوز) و گناه نسبی آن است که گناه بعضی اعمال مباح و یا حتی مستحب درخور مقام افراد بزرگ نیست، آنها باید از این اعمال چشم‌پوشند، و به کار مهم‌تر پردازند، در غیر این صورت ترک اولی کرده‌اند؛ مثلاً نمازی را که ما می‌خوانیم قسمتی از آن با حضور قلب و قسمتی بی‌حضور قلب می‌گذرد درخور شأن ما است، این نماز هرگز درخور مقام شخصی همچون پیامبر (ص) و علی (ع) نیست، او باید سراسر نمازش غرق در حضور در پیشگاه خدا باشد، و اگر غیر این کند حرامی مرتکب نشده اما ترک اولی کرده است. آدم نیز سزاوار بود از آن درخت نخورد هر چند برای او ممنوع نبود بلکه «مکروه» بود. کما اینکه در حدیثی می‌خوانیم که امام رضا (ع) می‌فرماید: «ماجرای لغزش آدم، قبل از رسیدن به مقام نبوت بوده و از لغزش‌های کوچکی بوده که قابل عفو است» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۵۰).

ب) بر طبق دیدگاه برخی از مفسرین از جمله صاحب‌المیزان، نهی خداوند در اینجا نهی ارشادی است، در این گونه از نهی، صلاح حال شخص نهی شده است و وجه رشد در کار او در نظر گرفته می‌شود و بر انجام یا ترک چنین اوامری، ثواب و عقابی مترتب نمی‌شود. با انجام اوامر ارشادی، رشدی حاصل می‌گردد که در جهت مصلحت مکلف است و پیامد عمل نکردن به آن مفسده و ضرر پیش‌بینی شده است. در حقیقت حضرت

بررسی آموزه فدا شدن حضرت مسیح با رویکرد انتقادی بر اساس...؛ شریفی و همکاران | ۱۲۷

آدم (ع) با مخالفت از دستور ارشادی الهی از بهشت رانده شده و راحتی قرب و سرور رضا را از دست داده است (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۹۲).

ج) اساساً بهشت جای تکلیف نبود بلکه دورانی بود برای آزمایش و آمادگی آدم برای آمدن در روی زمین و این نهی تنها جنبه آزمایشی داشت (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: صص ۱۸۷-۱۸۸).

در جایی دیگر و در ذیل آیه ۱۱۵ سوره مبارکه طه نیز از سوی برخی، مباحثی در ارتباط با گناه کار بودن حضرت آدم (ع) ارائه گردیده است که نخست به بیان آیه و سپس به تفسیر ارائه شده ذیل آن در ارتباط با عصمت حضرت آدم (ع) از گناه اشاره می‌داریم:

﴿وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا﴾ (طه/۱۱۵)؛ «پیش از این، از آدم پیمان گرفته بودیم اما او فراموش کرد و عزم استواری برای او نیافتیم!»

طبق نظر مفسرین (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴: ۳۰۶) نهی در این آیه نیز نهی دینی و مولوی نیست، بلکه نهی ارشادی بوده، که مخالفتش کار و سرنوشت او را به امری قهری کشانده، و واژه‌ای که در آیه فوق ممکن است از سوی برخی به عنوان گناه و منافی عصمت خوانده شود، واژه «نسیان» است؛ در حالی که بر مبنای تفاسیر ارائه شده (ر.ک؛ حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۵، ۴۳۴؛ قشیری، بی‌تا، ج ۲۵: ۴۸۲) نسیان در اینجا مسلماً به معنی فراموشی مطلق نیست؛ زیرا در فراموشی مطلق عتاب و ملامتی وجود ندارد، بلکه یا به معنی ترک کردن است همان‌گونه که در تعبیرات روزمره به کسی که به عهد خودش وفا نکرده می‌گوئیم گویا عهد خود را فراموش کردی، یعنی درک کردن تو همانند یک فرد فراموش کار است، و یا به معنی فراموش‌کاری‌هایی است که به خاطر کم توجهی و به اصطلاح «ترک تحفظ» پیدا می‌شود. به هر حال بدون شک آدم، مرتکب گناهی نشد بلکه تنها ترک اولایی از او سر زد، یا به تعبیر دیگر دوران سکونت آدم در بهشت دوران تکلیف نبود، بلکه یک دوران آزمایشی برای آماده شدن جهت زندگی در دنیا و پذیرش مسئولیت تکالیف بود، به‌ویژه اینکه نهی خداوند در اینجا جنبه ارشادی داشته است؛ زیرا به او فرموده بود که اگر از درخت ممنوع بخوری حتماً گرفتار زحمت فراوان خواهی شد. در

پایان این بحث یادآور می‌شویم که گرچه کلمه نهی و عصیان و غفران و ظلم، همه در بدو نظر به معنی گناه مطلق و حقیقی و آثار آن است ولی با توجه به مسئله عصمت انبیاء که با دلیل عقلی و نقلی ثابت شده، تمام این تعبیرها، حمل بر گناه نسبی می‌شود، و این موضوع با توجه به عظمت مقام آدم و سایر انبیاء زیاد دور از ظاهر لفظ نیست. (ر. ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶: صص ۱۲۳-۱۲۵) در ارتباط با دیدگاه کلی قرآن کریم درباره عصمت انبیاء می‌توان اظهار داشت که قرآن مجید، تنها کتاب آسمانی است که عصمت را هم به لفظ و هم به معنا بیان داشته است. خداوند در آیه ۹۰ سوره مبارکه انعام برای تمام انبیای الهی، موضوع عصمت فعلی را به صورت مطلق (گناه کبیره و صغیره، عمد و سهو، خطا و اشتباه) بیان کرده است. (أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ). همچنین در سوره مبارکه جن، هرگونه مخالفت با دستورهای آن را مستوجب عذاب جهنم ابدی معرفی کرده است. (إِلَّا بِبَلَاغٍ مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا) (جن/۲۳)؛ «تنها وظیفه من ابلاغ از سوی خدا و رساندن رسالات اوست و هر کس نافرمانی خدا و رسولش کند، آتش دوزخ از آن اوست و جاودانه در آن می‌مانند». علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌نویسد: «این بندگان کسانی هستند که شرک و ظلم به ایشان راه نداشته و به عصمت الهی معصوم‌اند و آنان عبارت‌اند از انبیاء و جانشینان ایشان. از این روی، آیه شریفه مخصوص به معصومین خواهد بود. هدایت ایشان هم هدایت خداست». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۳۶۲) آری پیامبران الهی که حضرت آد(ع) نیز از ایشان است، مردمی هستند که تصور نمی‌شود، روزی کفر یا شرک در دل آنان رخنه کند، چون خدای تعالی به ایمان ایشان اعتماد کرده است و ایشان را موکل بر حفظ دین نموده و اگر ممکن بود که ایشان هم روزی مشرک بوده و از هدایت الهی تخلف کنند، اعتماد خداوند بر ایشان خطا و گمراهی بود و خداوند نه گمراه می‌شود و نه دچار خطا و فراموشی (ر. ک؛ کاوه، ۱۳۸۹: ۴۲). شیخ صدوق درباره عصمت انبیاء می‌نویسد: «ما در مورد انبیاء و ائمه و ملائکه الهی معتقد به عصمت و پاکی آنها هستیم و کسی که عصمت آنها را نفی نماید نادان

بررسی آموزه فدا شدن حضرت مسیح با رویکرد انتقادی بر اساس...؛ شریفی و همکاران | ۱۲۹

می‌پنداریم؛ زیرا انبیاء در تمام مراحل زندگی در اوج کمال و دانش و تقوا قرار داشته‌اند» (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق: ۹۹).

۵-۲. مسئول بودن انسان در برابر سرنوشت خویش

آنچه که از باور به فدیة برداشت می‌شود این است که به خاطر گناه اولیه حضرت آدم، همه انسان‌ها و مسیح(ع) باید غرامت بپردازند و گناه حضرت آدم و حوا دامن گیر تمام نسل بشریت است. اما آنچه که از آیات و روایات اسلامی دریافت می‌شود، آن است که گناه هیچ کس باعث گناه کار شمرده شدن دیگری نمی‌شود. در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که هیچ کسی بارگناه دیگری را به دوش نمی‌کشد و برای انسان بهره‌ای جز عمل خویش نیست. طبق یکی از این آیات، تأثیر گناه در استحقاق یافتن برای مؤاخذه و عقوبت فقط به کننده کار باز می‌گردد و هیچ کس متحمل گناهان شخص دیگر نخواهد شد:

﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾ (فاطر/۱۸)؛ «هیچ گنهکاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد و اگر شخص سنگین‌باری دیگری را برای حمل گناه خود بخواند، چیزی از آن را بر دوش نخواهد گرفت، هر چند از نزدیکان او باشد! تو فقط کسانی را بیم می‌دهی که از پروردگار خود در پنهانی می‌ترسند و نماز را بر پا می‌دارند و هر کس پاکی (و تقوا) پیشه کند، نتیجه آن به خودش باز می‌گردد و بازگشت (همگان) به سوی خداست».

عبارت «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ» بارها در قرآن کریم، تکرار شده است و هر بار نیز به این نکته اشاره دارد که هر کس مسئول خویشتن است و هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد. یکی دیگر از آیاتی که به این موضوع اشاره دارد، آیات مبارکه سوره اسراء است که خداوند می‌فرماید:

﴿مَن اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ تَبْعَثَ رَسُولًا﴾ (اسراء/۱۵)؛ «هر کس هدایت شود، برای خود هدایت یافته و آن کس که گمراه گردد، به زیان خود گمراه شده است و هیچ کس بار گناه

دیگری را به دوش نمی کشد و ما هرگز (قومی را) مجازات نخواهیم کرد، مگر آنکه پیامبری مبعوث کرده باشیم (تا وظایفشان را بیان کند)».

«وزر» به معنی بار سنگین است، و به معنی مسئولیت نیز می آید؛ زیرا آن هم یک بار سنگین معنوی بر دوش انسان محسوب می شود. به عکس آنچه معروف است که عوام می گویند آتش که گرفت خشک و تر می سوزد در منطق عقل و تعلیمات انبیاء هیچ بی گناهی به جرم گناه دیگری مجازات نخواهد شد، در تمام شهرهای لوط یک خانواده مؤمن وجود داشت خدا به هنگام مجازات آن قوم منحرف و آلوده، آن یک خانواده را نجات داد. آیات فوق نیز با صراحت می گوید: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۲۲۵).

بر طبق آنچه که از آیات الهی برداشت می شود، مجازات کسی به خاطر گناه دیگران خلافت عدالت است. آیا این عادلانه است که خداوند انسانها را گناهکار به دنیا آورد و به جرمی که هرگز مرتکب نشده اند، آنان را مجازات کند (ر.ک؛ توکلی، ۱۳۸۴: ۱۵۲) بنابراین چیزی به نام گناه ذاتی مورد تأیید دیدگاه الهی نیست و از دیدگاه قرآن کریم هیچ کس گناه کار متولد نمی شود. گرچه زمینه های میل به گناه به سبب اعمال بد اجداد و فساد محیط اجتماعی موجود باشد.

۳-۵. عروج عیسی (ع) قبل از به صلیب کشیده شدن

همانگونه که پیشتر نیز گفته شد آموزه فداء بر مبنای کشته شدن و بر دار کشیده شدن حضرت عیسی (ع) به خاطر گناهان ذاتی بشریت از سوی مبلغان مسیحیت طرح گردیده است (ر.ک؛ مبلغی آبادانی، بی تا، ج ۲: ص ۲۰۱-۲۰۲)؛ این در حالی است که آیات قرآن کریم، به کلی منکر مصلوب شدن این پیامبر الهی اند. دو آیه از آیات قرآن کریم به این مطلب اشاره می کنند:

﴿وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا * بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ (نساء/۱۵۷-۱۵۸)؛ «و گفتارشان که: «ما، مسیح

بررسی آموزه فدا شدن حضرت مسیح با رویکرد انتقادی بر اساس...؛ شریفی و همکاران | ۱۳۱

عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم!» در حالی که نه او را کشتند، و نه بر دار آویختند لکن امر بر آنها مشتبه شد. و کسانی که در مورد (قتل) او اختلاف کردند، از آن در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می کنند و قطعاً او را نکشتند! بلکه خدا او را به سوی خود، بالا برد. و خداوند، توانا و حکیم است.»

آیه فوق که ناظر بر عروج حضرت عیسی (ع) است یکی از مهم ترین نقدهای مفسرین اسلامی به آموزه فداء است. چراکه یهودیان در شکل و نوع کشته شدن مسیح اختلاف (اول کشتن بعد به دار زدن - به دار زدن و سپس کشتن) داشتند؛ لذا خداوند متعال با رد این دعوی با صراحت می فرماید: «حضرت مسیح نه کشته شد و نه بدار رفت بلکه امر بر آنها مشتبه گردید و پنداشتند او را بدار زده اند و یقیناً او را نکشته اند» (ر.ک؛ فیضی دکنی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۹۶) ولی اناجیل چهارگانه کنونی همگی مسئله مصلوب شدن (بدار آویخته شدن) مسیح (ع) و کشته شدن او را ذکر کرده اند، و این موضوع در فصول آخر هر چهار انجیل (متی - لوقا - مرقس - یوحنا) مشروحاً بیان گردیده، و اعتقاد عمومی مسیحیان امروز نیز بر این مسئله استوار است. مسیحیان کنونی مسیح (ع) را پیامبری که برای هدایت و تربیت و ارشاد خلق آمده باشد نمی دانند، بلکه او را «فرزند خدا» می دانند که هدف اصلی آمدن او به این جهان «فدا شدن و باز خرید گناهان بشر بوده است»، به همین دلیل گاهی مسیحیت را مذهب «نجات» یا «فداء» می نامند و مسیح را «ناجی» و «فادی» لقب می دهند (ر.ک؛ خاچکی، ۱۹۸۲م: ۱۵۶).

در ادامه نیز چند نقد اساسی به مسئله فدییه مطرح می دارد که برخی از آن ها ناظر بر مصلوب نشدن و زنده ماندن حضرت مسیح (ع) است: هیچ یک از مسلمانان در بطلان این عقیده تردید ندارند؛ زیرا عقیده فدا گناهکار پرور و تشویق کننده به فساد و تباهی و آلودگی است و اگر می بینیم قرآن به ویژه روی مسئله مصلوب نشدن مسیح (ع) تکیه کرده است، با اینکه ظاهراً موضوع ساده ای به نظر می رسد به خاطر همین است که عقیده خرافی فداء و باز خرید گناهان امت را به شدت بکوبد مسیحیان را از این عقیده خرافی باز دارد تا نجات را در گرو اعمال خویش ببینند، نه در پناه بردن به صلیب و همچنین قرائتی در دست

است که مسئله مصلوب شدن عیسی (ع) را تضعیف می‌کند (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴: صص ۲۰۰-۲۰۱).

آیه دیگری که به این امر، یعنی مشتبه شدن اعدام عیسی (ع) بر یهودیان اشاره دارد. آیه ۵۵ سوره مبارکه آل عمران است که می‌فرماید: ﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ نَحْنُ نُبَيِّنُكَ لَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنَّا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمُرْجُومُونَ﴾ (آل عمران/۵۵)؛ «(به یاد آورید) هنگامی را که خدا به عیسی فرمود: «من تو را برمی‌گیرم و به سوی خود، بالا می‌برم و تو را از کسانی که کافر شدند، پاک می‌سازم و کسانی را که از تو پیروی کردند، تا روز رستاخیز، برتر از کسانی که کافر شدند، قرار می‌دهم سپس بازگشت شما به سوی من است و در میان شما، در آنچه اختلاف داشتید، داوری می‌کنم».

«توفی» در بسیاری از آیات در معنای مرگ به کار رفته و در بعضی به معنی اخذ و گرفتن آمده مثل: ﴿فَأَمْسِكُوهُمْ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتَ﴾ (نساء/۱۵) و مقصود از توفی در این آیه یعنی اخذ تمام حقیقت عیسی علیه السلام (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۹۱) «رفع» به معنای بلند کردن و برداشتن است و از آنجایی که در آیه شریفه کلمه «رافعک» مقید به قید «الی» شده معلوم می‌شود که منظور از این رفع، رفع معنوی است نه رفع صوری و جسمی، چون خدای تعالی در مکانی بلند قرار نگرفته تا عیسی (ع) را به طرف خود بالا ببرد، او مکانی از سنخ مکان‌های جسمانی که اجسام و جسمانیات در آن قرار می‌گیرند ندارد، به همین جهت دوری و نزدیکی نسبت به خدای تعالی هم دوری و نزدیکی مکانی نیست، پس تعبیر مذکور نظیر تعبیری است که در آخر همین آیه آورده و فرموده: ﴿ثُمَّ إِلَيَّْ مَرْجِعُكُمْ...﴾، به‌ویژه اگر منظور از توفی قبض روح باشد که خیلی روشن خواهد بود که منظور از رفع، رفع معنوی است یعنی ترفیع درجه و تقرب به خدای سبحان، نظیر تعبیری که قرآن کریم در باره شهدا یعنی کشته شدگان در راه او آورده (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۲۶).

بررسی آموزه فدا شدن حضرت مسیح با رویکرد انتقادی بر اساس...؛ شریفی و همکاران | ۱۳۳

لذا در این آیه مقصود از (مُتَوَفِّيكَ) در معنای حقیقی خود که عبارت از اخذ تمام حقیقت انسان است، استعمال شده است (ر.ک؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۲۳۱)، یعنی خداوند عیسی (ع) را از زمین اخذ کرده و به آسمان برده است. روایات هم این مطلب را تأیید می کنند که عیسی (ع) از دنیا نرفته و مرگ را درک نکرده است. روایات اسلامی می گویند که عیسی هنوز از دنیا نرفته، بلکه در آن روز به آسمان عروج کرده است (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴: ۳۳۹ و همان ج ۴۲: ۲۰۱) در کتاب عیون اخبار الرضا، از حضرت رضا علیه السلام روایت شده که فرمود: «فَإِنَّهُ مَا شَبَّهَ أَمْرُ أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ حُجَّجِهِ لِلنَّاسِ إِلَّا أَمْرُ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ (ع) وَ حُدَّةً لِأَنَّهُ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ حَيًّا وَ قُبِضَ رُوحُهُ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ ثُمَّ رُفِعَ إِلَى السَّمَاءِ وَ رُذِّ عَلَيْهِ رُوحُهُ؛ امر هیچ یک از انبیاء و حجت های الهی بر مردم مشتبه نشد مگر امر عیسی (ع) و بس، برای اینکه عیسی (ع) را زنده به آسمان بردند و بین آسمان و زمین قبض و روحش کردند و بدن بی روح و روح بی بدنش را به آسمان بردند و دوباره روحش را به بدنش برگرداندند» (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۲۱۵).

۵-۴. اعمال انسان به منزله معیار نجات

در مورد آموزه فدیة یکی از مهم ترین نکاتی که باید بدان توجه داشت این است که در مسیحیت اعتقاد بر این است که عامل اصلی نجات انسان خدا و مسیح (ع) است و انسان و اراده وی نقش چندانی دارد و تنها با فیض ازلی است که انسان نجات می یابد، نه با فعالیت های خود و این فیض نیز تنها تنها به وسیله یک منجی یعنی عیسی (ع) که مصلوب گردید تا گناه آدم را فدیة دهد، عطا می گردد. در حالی که بر مبنای تعالیم قرآن کریم، وضع به گونه دیگری است و اراده و اعمال آدمی به منزله عامل رستگاری و نجات وی معرفی گردیده است.

صاحب تفسیر المنار با نقد دیدگاه مسیحیت درباره معیار نجات آدمی در آموزه فداء، با استناد به آیات ۷ تا ۱۰ سوره مبارکه شمس که می فرمایند (وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا * قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا)؛ «و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) منظم ساخته، سپس فجور و تقوا (شر و خیرش) را به او الهام

کرده‌است، که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است؛ ملاک و معیار سعادت و تجات آدمی از عذاب آخرت را تزکیه نفس می‌داند. به عقیده ایشان، «تزکیه نفس یعنی پالایش نفس از عقاید شرک آلود باطل و اخلاق فاسد و آراستگی به فضائل و عمل شایسته و معیار هلاکت نیز برعکس آن است. پس هر کس عقیده خویش را صحیح و عملش درست باشد، پاک گردیده‌است و شایسته برخورداری از نعمت است و آنکه عقیده باطل و عمل بد دارد، اخلاقش فاسد می‌شود و شایسته جهنم است (ر.ک)؛ رشیدرضا، ۱۳۹۳ق ج ۶: صص ۳۰-۲۹).

در جای جای آیات قرآن کریم، ملاک سعادت آدمی را ایمان و عمل صالح دانسته است و از جمله در آیه ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا﴾ (نساء/۱۲۴)؛ «و کسی که چیزی از اعمال صالح را انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، چنان کسانی داخل بهشت می‌شوند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد» معیار و ملاک نجات آدمی را عمل صالح وی می‌داند.

نکته مهم در نقد دیدگاه نجات در آیین مسیحیت این است که بر مبنای آموزه فداء، نجات و رستگاری انسان خارج از اراده انسان است؛ بدین معنا که نجات و رستاری باید از بیرون برای آدمی میسر گردد و گرنه از خود انسان کاری ساخته نیست. در حالی که آیات اسلامی شأن و همت انسان را بالا برده و آدمی را به کسب ایمان و اخلاص و عمل صالح برای نیل به کمال تشویق می‌نماید و اعمال و رفتار انسان را عامل اصلی نجات وی معرفی می‌نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی‌های قرآنی در سنجش آموزه فدا - آن طور که از سوی شریعت مسیحیت ترویج می‌شود- نشان می‌دهد که هیچ انسانی تاوان جرم کسی را بر دوش نخواهد کشید و هر کس مسئول سرنوشت خویش است و از همه مهم‌تر آنکه بر طبق آموزه‌های اسلام هیچ پیامبری

بررسی آموزه فدا شدن حضرت مسیح با رویکرد انتقادی بر اساس...؛ شریفی و همکاران | ۱۳۵

مرتکب گناه نمی‌شود و مقام پیشوایی خلق به شخص گناهکار، واگذار نخواهد شد، و در مورد ادعای به دار آویخته شدن حضرت عیسی (ع) توسط یهود بر مبنای تعالیم مسیحیت می‌فرمایند: «نه او را کشتند، و نه بر دار آویختند لکن امر بر آنها مشتبه شد و کسانی که در مورد (قتل) او اختلاف کردند، از آن در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می‌کنند و قطعاً او را نکشتند! * بلکه خدا او را به سوی خود، بالا برد و خداوند، توانا و حکیم است» (نساء/۱۵۷-۱۵۸). بنابراین در آموزه‌های مسیحیت دلایل و شواهدی وجود دارد که با عقل و واقعیت سازگاری ندارد و نشان از تحریف و منحرف شدن این آموزه دارد.

ORCID

Hossein Sharifi

Hossein Badri

Elaheh Bashtani Ranjour



<http://orcid.org/0000-0002-6623-530X>



<http://orcid.org/>



<http://orcid.org/>

منابع

- ابن اثیر؛ مبارک بن محمد. (۱۳۶۷). *النهايه في غريب الحديث و الأثر*. چاپ اول. قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۴ق). *الاعتقادات*. چاپ دوم. قم: کنگره شیخ مفید.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغه*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- اردستانی، عبدالرحیم سلیمانی. (۱۳۸۱). *مسیحیت*. چاپ اول. قم: معارف اسلامی.
- انور، جندی. (۱۳۷۱). *اسلام و جهان معاصر*. ترجمه حمیدرضا آژیر. بی‌چاپ. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- آبروی، غلامرضا. (۱۳۸۶). *داستان‌های آسمانی*. چاپ سوم. قم: فاطمه الزهرا.
- برنتل، جورج (۱۳۸۱). *آیین کاتولیک*. ترجمه حسن قنبری. چاپ اول. قم: مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب. بیابانی اسکویی، محمد(بی‌تا). *تولد حضرت مسیح در قرآن و عهد جدید*. مبین ۸.
- پترسون و دیگران. (۱۴۰۰). *عقل و اعتقاد دینی*. چاپ دهم. تهران: طرح نو.
- پترسون، مایکل و ویلیام هاسکو و بروس رایشنباخ و دیوی بازینجر(بی‌تا). *عقل و اعتقاد دینی*. ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی. طرح نو، تهران بی‌چاپ.
- توفیقی، حسین. (۱۳۸۱). *آشنایی با ادیان بزرگ*. چاپ پنجم. تهران: سمت.
- توکل، غلامحسین. (۱۳۸۴). *گناه اولیه*. نشریه علوم انسانی و ادبیات دانشگاه تبریز. ۱۹۴.
- تیسین، هنری. (بی‌تا). *الهیات مسیحی*. ترجمه طاطه وس میکائیلین. چ اول. تهران: حیات ابدی.
- حسینی طباطبایی، مصطفی. (۱۳۷۰). *دعوت مسیحیان به توحید*. چ اول. تهران: بی‌تا.
- حقی بروسوی، اسماعیل. (بی‌تا). *تفسیر روح البیان*. بی‌چاپ. بیروت: دارالفکر.
- خاچکی، سارو. (۱۹۸۲م). *اصول مسیحیت*. چ دوم. تهران: انتشارات حیات ابدی.
- دورانت، ویل. تاریخ تمدن. (۱۳۷۲). *ترجمه مترجمان*. ج ۳. چ اول. تهران: انقلاب اسلامی.
- رشید رضا، محمد. (۱۳۹۳ق). *تفسیر المنار*. چاپ دوم. بی‌جا: دارالکفر.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۵). *تاریخ در ترازو*. چ چهارم. تهران: امیرکبیر.
- شاکر، محمد کاظم. (۱۳۸۱). *عیسی در روایات کافی در مقایسه با عیسی در انجیل*. علوم و حدیث ۱.
- شاله، فیلیسین. (۱۳۵۵). *تاریخ مختصر ادیان*. ترجمه منوچهر خدایار محبی. بی‌چاپ. تهران: طهوری.

بررسی آموزه فدا شدن حضرت مسیح با رویکرد انتقادی بر اساس...؛ شریفی و همکاران | ۱۳۷

صدر، سید صدر الدین. (بی تا). قصص قرآن. چاپ دوم. تهران: تابان.
طالب، حسن. (۱۳۸۳). نجات شناسی از دیدگاه مسیحیت و اسلام. سال سوم شماره ۱۰. پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی.

طباطبایی، سید محمد حسین. تفسیر المیزان. (۱۳۷۴). ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نورالثقلین. به کوشش سیدهاشم رسولی محلاتی. ج ۱. چاپ چهارم. قم: اسماعیلیان.

عیون اخبار الرضا. (۱۳۷۸ق). به کوشش مهدی لاجوردی. ج ۱. چ اول. تهران: نشر جهان.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). العین. چاپ دوم. قم: انتشارات هجرت.

فیضی دکنی، ابوالفضل. (۱۴۱۷ق). سواطع الالهام فی تفسیر القرآن، تحقیق: سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی. چاپ اول. قم: دارالمنار.

قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. ج ۷. چاپ ششم. تهران: دارالکتب اسلامی.

_____ . (۱۳۷۷). تفسیر احسن الحدیث. ج ۲. چ ۳. تهران: بنیاد بعثت.

قشیری، عبدالکریم بن هوازن. (بی تا). چ سوم. مصر: الهیئه المصریة العامه للکتاب.

کاشف الغطاء، محمد حسین (بی تا). انجیل و مسیح، ترجمه سیدهادی خسروشاهی. بی چاپ. قم: الهادی.

کاوه، محمد. (۱۳۸۹). عصمت فعلی انبیای الهی در کتب ادیان بزرگ الهی. اندیشه نوین دینی ۲۰.

کائوتسکی، کارل. (۱۳۵۹). بنیادهای مسیحیت ترجمه عباس میلانی. چ اول. تهران: حبیبی.

کتاب مقدس انجیل. (عهد جدید) (۱۹۹۷). چ اول. ترجمه تهران: ایلام.

کتاب مقدس (عهد قدیم) (۲۰۰۹م). ترجمه مترجمان. چ چهارم. تهران: انجمن بین المللی کتاب مقدس.

کریشنان، رادا. (۱۹۶۳م). مذهب در شرق و غرب. ترجمه امیر فریدون گرکانی. چ اول. بی جا: بی نا.

کشفی، عبدالرسول و سیاوش اسدی. (۱۳۹۰). بررسی برخی دیدگاهها در باب آموزه فدیة الهیات تطبیقی ۵.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). الکافی. محقق: دارالحدیث. ج ۱. اول. قم: دارالحدیث.

مبلغی آبادانی، عبدالله. (بی تا). تاریخ ادیان و مذاهب جهان. ج ۲. چ ۱. تهران: شیعه.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. چ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مسجد جامعی، علیرضا. (۱۳۸۶). *اسلام آیین برگزیده*. ج اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مطهری، مرتضی. (۱۳۵۸). *مجموعه آثار*. ج ۲. چهارم. تهران: صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. اول. تهران: دار الکتب اسلامی.

_____ (۱۳۸۰). *قرآن کریم*. بی جا. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

هیوم، رابرت. (۱۳۸۰). *ادیان زنده جهان*. ترجمه عبدالرحیم گواهی. دهم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

References

- Quinn, p. (1990). «*Aquinas on Atonement*» in *Trinity , Incarnation and Atonement*, Ronald Feenstra & Cornelius Plantinga (eds), Notre Dame :University of Notre Dame Press.
- Swinburne, R. (1989). *Responsibility and Atonement* ,Oxford: Oxford University Press.
- Ardestani, Abdur Rahim Soleimani. (2002). *Christianity First Edition*. Qom: Islamic Education.
- Anwar, Jandi. (1992). *Islam and the contemporary world*. Translated by Hamidreza Azhir. unpublished Mashhad: Astan Quds Razavi Research Foundation.
- Abroi, Gholamreza. (2007). *Heavenly stories*. Third edition. Qom: Fatemeh al-Zahra.
- Brentel, George (2011). *Catholicism Translated by Hassan Ghanbari*. First Edition. Qom: studies and research of religions and religions.
- Beyabani Oskoui, Mohammad (n.d.). *The birth of the Messiah in the Qur'an and the New Testament*. Mubin 8.
- Bible. (New Testament) (1997). *first edition*. Translation of Tehran: Ilam.
- Bible (Old Testament) (2009). *Translated by translators*. Fourth edition. Tehran: International Bible Society.
- Durant, Will. History of civilization. (1993). *Translated by translators*. C3. First edition. Tehran: Islamic Revolution.
- Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1989). *Al Ain second edition*. Qom: Hijrat Publications.
- Faizi Dekni, Abulfazl. (1996). *Swat al-Ilham in Tafsir al-Qur'an*, research: Seyyed Morteza Ayatollah Zadeh Shirazi. First Edition. Qom: Dar al Manar.

- Hosseini Tabatabai, Mustafa. (1991). *Calling Christians to monotheism*. first edition. Tehran: Bina.
- Haghi Brosavi, Ismail. Interpretation of the spirit of the statement. unpublished Beirut: Dar al-Fekr.
- Hume, Robert. (2001). *Living religions of the world*. Translated by Abdul Rahim Govahi. tenth edition. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Ibn Athir; Mubarak bin Muhammad (1988). *Al-Nahiye fi Gharib Hadith and Athar. First Edition*. Qom: Ismailian Press Institute.
- Ibn Babuyeh, Muhammad bin Ali. (1993). *Beliefs second edition*. Qom: Sheikh Mufid Congress.
- Ibn Faris, Ahmad bin Faris (1983). *Dictionary of comparisons*. Qom: School of Islamic Studies.
- Kashif al-Ghita, Mohammad Hossein (n.d.). *The Bible and Christ*, translated by Seyyed Hadi Khosrowshahi. Unpublished. Qom: Al-Hadi.
- Kaveh, Mohammad (2010). *The current infallibility of divine prophets in the books of great divine religions*. Andisheh Novin Dini.
- Kautsky, Karl. (1980). *Foundations of Christianity translated by Abbas Milani*. what first Tehran: Habibi.
- Khachki, Saru. (1982). *Principles of Christianity*, edition II. Tehran: Hayat Abdi Publications.
- Krishnan, Radha. (1963). *Religion in East and West*. Translated by Amir Faridun Gerkani. first edition. N.P.
- Kashfi, Abdul Rasul and Siavash Asadi. (2011). *Examining some viewpoints about the doctrine of redemption*. Comparative theology.
- Kilini, Muhammad bin Yaqub. (2008). *Al-Kafi Researcher: Dar al-Hadith*. First edition. First. Qom: Dar al-Hadith.
- Mobaleghi Abadani, Abdullah. (n.d.). *History of world religions*. Volume 2. First edition. Tehran: Shia.
- Majlesi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi. (1982). *Bahar Al-Anwar*. first edition. Beirut: Dar Ehya Altoras.
- Masjed Jame'i, Alireza. (2007). *Islam is the chosen religion*. First edition. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Mustafavi, Hassan. (1989). *Researching the words of the Holy Qur'an*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Motahari, Morteza. (1979). *Collection of works*. Volume 2. Fourth edition. Tehran: Sadra.
- Makarem Shirazi, Nasser. (1995). *Sample interpretation*. First. Tehran: Dar al-Kitab Islamia.
- _____. (2001). *The Holy Quran*. N.P. Tehran: History and Islamic Studies Office.
- Peterson and others. (1979). *Reason and religious belief. to print Tehran: Tarh-e No.*

- Patterson, Michael and William Hasko and Bruce Reichenbach and Dave Basinger (n.d.). *Reason and religious belief*. Translated by Ahmad Naraghi and Ebrahim Soltani. Tarh-e No, Tehran. n.p.
- Qurashi, Seyyed Ali Akbar. (1992). *Quran dictionary*. Edition 7. Sixth edition. Tehran: Dar Al-Katb Islamiya.
- _____. (1998). *Ahsan hadith commentary*. Edition 2. Third edition. Tehran: Besat Foundation.
- Qoshiri, Abdul Karim bin Hawazen. (n.d.). third edition. Egypt: The Egyptian Public Organization for the Book.
- Rashid Reza, Mohammad. (2014). *Tafsir al-Manar. second edition*. N.P.: Dar al-Kafr.
- Shakir, Mohammad Kazem. (2002). *Jesus in sufficient narratives compared to Jesus in the Gospels*. Sciences and Hadith 1.
- Shale, Filicine. (1976). *A brief history of religions*. Translated by Manouchehr Khodiar Mohebi. unpublished Tehran: Tahori.
- Sadr, Seyyed Sadruddin. (n.d.). *Qur'anic stories*. second edition. Tehran: Taban.
- Tawfighi, Hossein. (2002). *Familiarity with major religions*. Fifth Edition. Tehran: Samt.
- Tavakoli, Gholamhossein. (2005). *original sin Journal of Humanities and Literature of Tabriz University*. 194.
- Thiesin, Henry. (n.d.). *Christian theology*. Translated by Tate Ves Mikailian. what first Tehran: Hayat Abadi.
- Taleb, Hassan. (2004). *Salvationism from the point of view of Christianity and Islam*. The third year, number 10. Islamic wisdom and philosophy research paper.
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein. *Tafsir al-Mizan*. (1995). Translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamedani. Fifth Edition. Qom: The Islamic Publications Office of the Seminary Teachers' Society.
- Zarin Koob, Abdul Hossein. (1996). *Date in the balance*. The fourth Tehran: Amir Kabir.

استناد به این مقاله: شریفی، حسین، بدری، حسین، باشتی، رنجور الهه. (۱۴۰۱). بررسی آموزه فدا شدن حضرت مسیح با رویکرد انتقادی بر اساس قرآن کریم، فصلنامه علمی پژوهشنامه معارف قرآنی، ۱۳(۵۱)، ۱۱۳-۱۴۰.

DOI: 10.22054/RJQK.2022.67421.2597



Quranic Knowledge Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.